



باز هم بهار می آید

نوروز در واقع جادوی قرن‌ها و هزاره‌ها است که حتی در بدترین و دهشتناک‌ترین ایامی که بر این ملت گذشت و نیز در ایامی که مغولان آمدند و کشتند و بردند، مردم این سرزمین را به حال خود رها نکرد و نور امید و شادی را به قلبشان تابانید، پس نوروز بدون ایران و ایران بدون نوروز معنا نخواهد داشت. رمز جاودانگی نوروز را باید در ذات و منطق پیام آن جستجو کرد، زیرا تحول و زندگی را فریاد می‌زند و دوستی‌ها را تجدید می‌کند و از ظلمت شب می‌گاهد و بر روشنایی روز می‌افزاید. نوروز قصه عشق را در گوش‌ها زمزمه می‌کند تا نسیم زندگی در زوایای

با شعر زیبای فریدون مشیری به استقبال بهار و نوروز می‌رویم تا سال را با شادی و طراوت آغاز کنیم: عطر نرگس، رقص باد، نغمه شوق پرستوهای شاد، خلوت گرم کبوترهای مست، نرم نرمک می‌رسد اینک بهار خوش به حال روزگار نوروز با کوله‌باری از شادی، بی‌تاب است تا دست نوازش خویش را بر قامت ملتی کهنسال اما جوان بکشد که تجسم عقل کامل است. نوروز شادمانی را ندا می‌دهد و فریاد می‌زند که با فسردگی نمی‌توان دنیای پویا و دل‌انگیز ساخت. از این رو، آدمیان را نهیب می‌دهد تا از صف اندوه و غصه بر کنار باشند.

در فلات ایران (ایران زمین) به دنیا آمده‌اند و تاریخ و فرهنگ مشترک دارند، از جمله تاجیک‌ها، افغان‌ها، قفقازی‌های جنوبی، کردها و ساکنان سرزمین‌هایی که در طول قرون و اعصار، امپراتوری ایران را تشکیل داده بودند.

نزدیک به دو قرن است که امپراتوری ایران بر اثر توطئه‌های استعمارگران اروپایی از میان رفته است، اما فرهنگ مشترک و مدنیت غنی ایرانی باقی مانده و نوروز همچنان روز ملی همه مردمی است که از کوه‌های پامیر و بدخشان تا انتهای کوه‌های کردستان سوریه و از قفقاز تا رود سند و منطقه خلیج فارس سکونت دارند.

نوروز در بسیاری از آثار گذشته‌نگاران، از جمله در تاریخ طبری، شاهنامه فردوسی و آثار بیرونی به جمشید، شاه افسانه‌ای و در پاره‌ای دیگر به کیومرث نسبت داده شده و آن را به دلیل آغاز بهار، برابر شدن روز و شب و از سرگرفتن درخشش خورشید و اعتدال طبیعت، بهترین روز سال دانسته‌اند.

کوروش، مؤسس امپراتوری ایران که از مادر ماد و از پدر پارس بود، نخستین حکمران ایرانی بود که به نوروز جنبه رسمی داد و در سال ۵۳۴ پیش از میلاد دستورالعملی برای آن تدوین کرد که شامل ترفیع نظامیان، ابلاغ انتصابات تازه، سان دیدن از سربازان، عفو مجرمان پشیمان، ایجاد فضای سبز و پاک‌سازی محیط زیست (از منازل شخصی تا

روحمان جای گیرد. خاک به یمن قدم نوروز به رقص می‌آید و چالاک می‌شود و طبیعت را چنان می‌آراید که دل می‌برد و جان می‌بخشد.

نوروز احترام به بزرگ‌ترها را آموزش می‌دهد و فرد را به خانواده و خانواده را به جامعه پیوند می‌زند، یعنی جزء را به کل وصل می‌کند.

نوروز حقیقت زندگی است، بنابراین تا زمانی که زندگی هست نوروز هم خواهد بود.

سنتی استوار مانند نوروز، وقتی مانعی به صورت فرهنگی تازه در مسیرش پدید آید، بی‌آنکه هویتش را از دست دهد، آن فرهنگ را در خود هضم می‌کند و به صورت تازه‌ای جلوه‌گر می‌شود.

این آیین ایرانی با گذشت چند هزاره و جذب فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها بدل به سنتی عظیم شده که می‌توان آن را مهم‌ترین عامل حفظ تمامیت ارضی کشور و همبستگی مردم دانست.

نوروز و آیین‌های باشکوه آن، مسیری سه هزار ساله و پرپیچ‌وخم را پیموده است. نوروز کهنسال‌ترین آیین ملی در جهان است که جاودانه مانده و یکی از عوامل تداوم فرهنگ ایرانیان است.

اندیشمندان نوروز را مظهر پایدار هویت ایرانی خوانده، زیرا در طول تاریخ نیروی عظیم و کارآیی فراوانی آن را مشاهده کرده‌اند.

نوروز جشن ملی همه کسانی است که

اماکن عمومی) بود. چهار سال پیش از آن کوروش پس از تصرف بابل نوروژ را در آنجا جشن گرفته بود و به این سبب برخی از مورخان، زمان اعلام رسمی و عمومی شدن نوروژ به عنوان عید ملی را سال ۵۳۸ قبل از میلاد نوشته‌اند. بابل در ۲۹ اکتبر سال ۵۳۹ پیش از میلاد به تصرف ایران درآمد (۱).

سران دولت هخامنشی در آداب و رسوم و قوانین سرزمین‌های غیرآریایی‌نشین کمتر مداخله می‌کردند، ولی در مصر که بیش از یک قرن یکی از ایالات ایران به شمار می‌رفت، آیین‌های نوروژ را رواج داده بودند و با اعزام سفیر به حبشه (اتیوپی) از پادشاه انتخابی این کشور خواسته بودند که نوروژ را به رسمیت بشناسد و برگزار کند و آلودن محیط زیست (آب و هوا و زمین) را منع و برای دروغ گفتن و سوءنیت مجازات در نظر بگیرد (۱).

داریوش که در گسترش آیین‌های نوروژی در میان متصرفات غیرآرین امپراتوری ایران سعی بلیغ داشت در مراسم نوروژ ۵۱۵ پیش از میلاد (۷ سال پس از آغاز فرمانروایی‌اش) تصمیم خود را در زمینه ایجاد سنگ‌نوشته بیستون - حاوی آرزوها، اندرزها و شرح قلمرو ایران - اعلام کرد که مورخان با توجه به این سنگ‌نوشته گفته‌اند که ایران تنها کشور جهان است که سند مالکیت دارد. بزرگ‌ترین آرزوی داریوش که در این کتیبه آمده این است که خداوند ایران را از آفت

دروغ و خشکسالی مصون بدارد (۱). پس از تکمیل ساختمان عظیم و زیبای تخت جمشید در پارس و گشایش آن، آیین‌های رسمی نوروژ با شکوه بی‌مانندی در آنجا برگزار می‌شد. مراسم نخستین نوروژ در تخت‌جمشید دو هفته طول کشید. مردم عادی در تالار صدستون و سران ایالات و مقامات تراز اول در تالارهای دیگر این کاخ حضور می‌یافتند. کار ساختن تخت‌جمشید که یونانی‌ها آن را پرسپولیس (شهر پارس) خوانده‌اند، ۵۱ سال طول کشید. از این کاخ که گویای تمدن و پیشرفت ایرانیان باستان است بر قلمروی میان سند، دانوب، مدیترانه و نیل فرمانروایی می‌شد. حسادت اسکندر مقدونی نسبت به این شکوه و عظمت، عامل عمده ویرانی این کاخ به دست او شد (۱).

افراد خاندان سلطنت و درباریان در هر کجای کشور که بودند، پیش از فرا رسیدن نوروژ خود را به تخت جمشید می‌رساندند و بهار را در آنجا به سر می‌بردند. نوروژ ایرانی بر حسب سال با یکی از این سه روز در تقویم میلادی، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ مارس (مارچ) (۱) مصادف است.

در دوران اشکانیان، ایام نوروژ از ۱۱ روز به ۵ روز کاهش یافت، اما اردشیر به تقاضای «تسار، tansar» موبد موبدان (روحانی ارشد زرتشتیان) روز ششم فروردین (زادروز زرتشت) را بر آن اضافه کرد و چون ایرانیان روز هفتم

این دستگاہ راه یافت. احیای کامل آیین‌های ایرانی از جمله نوروز از سال ۹۳۰ میلادی به دست «مردآویز» است. مردآویز زیاری (مازندرانی)، امیر شیعه و از قهرمانان ملی ایرانیان که بر قسمتی بزرگی از ایران زمین حکومت می‌کرد و اصفهان را پایتخت خود قرار داده بود، کمر به برگزاری آیین‌های ملی ایران از جمله نوروز و مهرگان و سده بست (۱). با روی کار آمدن صفویه، نوروز رفته‌رفته به آیین رسمی تبدیل شد که تا به امروز چنین بوده است.

امروز پس از سال‌ها و قرن‌ها، نوروز تبدیل به فرهنگ و سنتی در ایران شده است که با اعیاد مذهبی همچون عید فطر و عید غدیر قابل مقایسه است. این عید در واقع، تلفیقی از مذهب، دین و ملیت شده که ریشه در اعماق وجود ایرانیان پیدا کرده است. به همین دلیل نوروز و بهار را با یک دعای بسیار زیبا آغاز می‌کنند که تغییر و تحول و بهتر شدن زندگی در سال جدید را از خداوند متعال درخواست می‌کنند.

یا مقلب القلوب والابصار

یا مدبر اللیل والنهار

یا محول الحول و الاحوال

حول حالنا الی احسن الحال

ای دگرگون‌کننده دل‌ها و دیده‌ها، ای تدبیرکننده شب و روز، ای گرداننده سال‌ها و حالت‌ها، حال ما را به نیک‌ترین حال تبدیل کن.

فروردین را خوش‌یمن می‌دانستند و بیشتر ازدواج‌ها را به این روز موکول می‌کردند، از آن زمان ایام نوروز که روزهای شادی‌ها و پاکی‌ها به شمار می‌آمدند، به هفت روز افزایش یافت و ایرانیان در این هفت روز دست از کار می‌کشیدند (۱).

در طول حکومت ساسانیان اهمیت نوروز افزایش یافت. نه تنها یک عید ملی بود، بلکه ایام تمیز کردن محیط‌زیست، پوشیدن لباس نو، تمیز کردن بدن، استغفار از گناهان، دلجویی از پیران، تجدید دوستی‌ها، استحکام خانواده، بیرون کردن افکار بد و پلیدی‌ها از روح و روان به‌شمار می‌آمد. در این زمان تشریفات نوروزی مفصل شد و روشن کردن شمع سر سفره هفت‌سین به آن اضافه گردید (۱).

بعد از ورود اسلام به ایران، سنت بهار و نوروز همچنان پابرجا ماند و بزرگان اسلام و خصوصاً اهل تشیع به نوروز توجه ویژه کردند. در میان روایات شیعه، سخنان معصومان به‌خصوص حضرت امام علی (ع) در تمجید از این جشن زیاد آمده است. بر طبق این روایات روز غدیر که روز ولایت است، مصادف با نوروز بوده است. نوروز ایرانی از طریق مسلمانان تا آندلس (اسپانیا) گسترش یافت. از زمان عباسیان به دلیل بست نفوذ ایرانیان در دستگاہ خلفای این دودمان، مراسم نوروز به

سال‌های متمادی در خدمت همه داروسازان
گرامی باشد.
دکتر سیدمحمد صدر

نشریه رازی این عید سعید و سال نو
را خدمت تمامی همکاران عزیز تهنیت
عرض می‌کند و آرزو دارد که همچنان و در

منبع

کیهانی‌زاده ن. نوروز و آیین‌های با شکوه آن عامل مشترک ساکنان ایران‌زمین و ایرانی تبارها. روزنامه همشهری ۱۳۸۳؛ ۲۷ اسفند: ۲۸.